



مروری بر کنش و واکنش موافقان و مخالفان حزبی

## دلایل حزب‌ستیزی دولت



شهراد افشاری  
نویسنده و روزنامه‌نگار

در ایران امروز به ویژه در دولت نهم از افق و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای بهره نبرده است. نکته مهمی که در طول دو سال گذشته به کرات از زبان برخی دولتمردان و مسوولان شنیده‌ایم، همواره از دلزدگی مردم یا سابقه بد‌تجزب حکایت می‌کند، در حالی که هیچگاه به درستی به نقد دلایل شکست احزاب پرداخته نشده است.

رییس جمهوری که در طول دو سال عمر دولت نهم به دفعات گلایه خود را از عدم کارایی احزاب بیان کرده بود، این بار اما قاطعانه و با ادبیاتی تند نگرانی خود را از حزب بروز داد.

احمدی‌نژاد اواخر شهریور ماه امسال با استفاده از واژه‌های "باج" و "باج‌خواهی" در ارتباط با درخواست‌های احزاب آنها را خطاب قرار داد تا بار دیگر رویه حزب‌ستیزی دولت نهم رنگ بیشتری به خود بگیرد. واقعیت این است دولت نهم در برخورد با احزاب و تشکل‌ها که خود زاینده آن است، کم‌صبر و تحمل بوده و به آنها به دیده رقیب یا دشمن می‌نگرد.

در عصر حاضر دموکراسی بدون حزب و تجزب معنا ندارد و تشکیل حزب جنبه مهمی از قدرت را در بر می‌گیرد تا بتواند مستقل از جایگاه و طبقات اجتماعی بر نوع قشربندی اجتماعی تأثیر بگذارد، اما



به رغم تأثیرات قابل ملاحظه‌ای که در حوزه‌های مختلف ایجاد شد، متأسفانه سر احزاب بی‌کلاه ماند و از موقعیت قابل توجهی برخوردار نشدند. هر چند کالبدشکافی ناصبوری حکومت و چگونگی شکل‌گیری احزاب سیاسی و کارکرد آنها نیاز به تامل و مجال دیگری دارد، اما سرنوشت احزاب

فعالیت‌های حزبی در ایران قبل از انقلاب بنا به دلایل متفاوتی که از حوصله این نوشتار خارج است، چندان موفقیت‌آمیز نبود و هیچگاه نتوانست ارتباط مناسب و پایداری با توده مردم برقرار کند. با پیروزی انقلاب اسلامی امیدواری فراوانی برای طرفداران فعالیت احزاب در کشور به وجود آمد، اما

## عدم توانایی تدوین طرح ها و استراتژی های بلندمدت، روحیه فردگرایی، احساس از دست دادن قدرت و حمایت نکردن احزاب از رییس دولت هنگام انتخابات ریاست جمهوری، از دلایل مخالفت با احزاب است

اینکه چرا دولت کنونی مخالف فعالیت های حزبی است، نیاز به پاسخ در خور توجهی دارد. برای بررسی و واکاوی دلایل حزب ستیزی دولت نهم ابتدا کلیاتی از تعریف، کارکرد و فواید فعالیت حزبی ذکر می شود.

### حزب و قدرت

حزب به معنی چارچوب دار شدن فعالیت های اجتماعی و سیاسی و پیشگیری از رفتارهای غیر عقلایی یا احساسی، کانالیزه شدن و هویت دار شدن فعالیت های سیاسی و اجتماعی، متعهدانه و مسوولانه عمل کردن و پذیرش مسوولیت است. به عبارتی دیگر راحت ترین و مرسوم ترین شیوه دموکراتیک برای رسیدن به قدرت تشکیل حزب و فعالیت های حزبی است.

حزب در عین حال با به حاشیه رفتن باندهای فرصت طلب و اشخاص سودجو در ارتباط است و جلوی نفوذ و فعالیت تخریبی آنها را می گیرد.

شکل گیری احزاب در ایران به دوران مشروطه بازمی گردد. اما چون عمر آزادی های سیاسی در این مرزوبوم کوتاه بوده، احزاب قدیمی و ریشه دار را کمتر به چشم می بینیم.

در برخی از مقاطع احزاب سریع شکل می گرفتند اما متأسفانه پس از مدت کوتاهی با تحکیم استبداد یا تضعیف می شدند یا به جرگه تعطیلی می پیوستند. به طور مثال در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ تعداد زیادی حزب در کشور آغاز به کار کرد که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همگی تعطیل

شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پایان جنگ هشت ساله با عراق که به دوران رکود فعالیت های حزبی معروف بود، دوران شکوفایی احزاب با تشکیل دولت اصلاحات آغاز شد که کمابیش تا زمان کنونی نیز ادامه دارد، اما به دلیل نبودن تفکر حزب محوری و آزادی های سیاسی، از تاثیرگذاری و عمر طولانی برخوردار نیستند.

### نگاه جمهوری اسلامی به حزب

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، فعالیت احزاب در کشور به رسمیت شناخته شده و با توجه به جمهوریت و ساختار نظام سیاسی، ضرورت احزاب بیش از پیش نمایان می شود، چرا که جمهوری بدون حزب معنا ندارد. قانون فعلی برای احزاب مشکل خاصی ندارد، اما نقص های زیادی در زمینه گسترش و تقویت دامنه فعالیت آنها وجود دارد که به عنوان مثال می توان از نبود پارانه های دولتی و معافیت های

می توانست استراتژی و برنامه جامع ارایه کنند و در نهایت کارآمدی یا ناکارآمدی خود را بپذیرند. در بیان فواید نظام حزبی می توان گفت که سیستم حزبی سیاستمداران را مسوولت پذیر می کند و به شهروندان نیز امکان می دهد با شناخت و آگاهی بیشتر، دولتمردان را انتخاب کنند. بنابراین تاکید بر نظام حزبی به این دلیل است که جایگزین دیگری به جز باندهای قدرت ندارند.

### مشکلات احزاب

یکی از مهمترین مشکلات احزاب وجود تفکری حزب ستیز است که در ظاهر قدرت بیشتری پیدا کرده است. این جریان که البته در دولت طرفدارانی دارد، نه تنها برای احزاب تسهیلات در نظر نمی گیرد، بلکه سعی می کند با استفاده از امکانات عمومی و تریبون های همگانی، نظام حزبی و احزاب را تضعیف کند. مشکل دیگر احزاب، نداشتن



مالیاتی بخش خصوصی نام برد.

در هر حال طبق این قانون، اصل بر آزاد بودن فعالیت احزاب و گروه ها است، مگر اینکه این گروه ها مرتکب تخلفاتی شوند که طبق قانون مجازات دارد.

یکی از مهمترین فواید و آثار فعالیت های حزبی، مسوولیت پذیر کردن سیاستمداران و دولتمردان است. اینکه در کشور ما دولت ها کمتر دارای استراتژی مشخص و مدونی بوده اند، شاید ناشی از ضعف احزاب و عدم درک شرایط و مقتضیات جدید توسط سیاستمداران است. احزاب حرفه ای به دلیل انباشت دانش و داشتن نیروهای باتجربه و متخصص

ارگان و امکانات لازم برای ترویج عقایدشان است. طبق قوانین موجود، احزاب نیاز به انتشار روزنامه ارگانی دارند، اما در این راه غالباً با مشکل مواجه می شوند. علاوه بر این مشکلات به دلیل اتکای فراوان مسوولان کشور به درآمد های نفتی بسیاری از دولتمردان وجود حزب را در راستای وظایف خویش به عنوان یک مزاحم تلقی می کنند. البته به این مشکل باید ضعف روحیه کار دسته جمعی به ویژه در امور درازمدت را در بین مردم اضافه کرد. تامین امنیت از لوازم فعالیت حزبی است، بنابراین لازم است حکومت چنان عمل کند که تمامی

شهروندان احساس کنند در صورت ورود به فعالیت‌های حزبی مورد قهر دولت قرار نمی‌گیرند. رسانه ملی نقش بسیار موثری در تنویر افکار عمومی و آشنا کردن مردم با دیدگاه‌ها و عقاید احزاب دارد، با این وجود تاکنون اقدامات مناسبی از سوی این رسانه برای تقویت و ترویج سیستم حزبی صورت نگرفته است. رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون می‌توانند نقش مفیدی در آشنایی مردم با ضرورت‌ها و فواید نظام حزبی و نیز تشویق شهروندان به عضویت در احزاب ایفا کنند.

### دلایل حزب‌ستیزی

معمولا در بیشتر نظام‌های سیاسی دنیای معاصر همواره حزب و فعالیت‌های حزبی یکی از عوامل و عناصر اصلی قدرت به شمار می‌رود و بیشتر دولت‌ها و حکومت‌های وقت در سایه فعالیت‌های حزبی روی کار می‌آیند، اما مدتی است که در کشور ما زرمزه تخریب حزب و مفید نبودن احزاب از سوی مسوولان و برخی دولتمردان مرتب در حال مطرح شدن است، به گونه‌ای که عالی‌ترین مقام اجرایی کشور وجود حزب و فعالیت‌های حزبی را انکار می‌کند و همیشه در سخنان خود می‌گوید که من وامدار هیچ حزب یا جریانی نیستم. این گونه سخن گفتن از سوی دولتمردان نهم البته در نوع خود بدعت محسوب می‌شود، زیرا برای اولین بار در کشور شخص یا جریانی فعالیت‌های تشکیلاتی حزب را به حال جامعه مفید نمی‌داند که در تمامی جوامع

در صورت نبودن احزاب و نهادهای مدنی، زمینه مساعد برای شکل‌گیری دیکتاتوری فراهم می‌شود



پیشرفته یکی از عوامل اصلی رشد و توسعه سیاسی و اجتماعی ناشی از نهادینه شدن تحزب است.

با این وجود جای این پرسش وجود دارد که چرا برخی از مقامات اجرایی کشور در وضعیت کنونی مخالف حزب شده‌اند و با آن مقابله می‌کنند؟

برخی جریان‌های سیاسی به دلیل نداشتن برنامه و استراتژی مدون که در سایه فعالیت‌های تشکیلاتی شکل می‌گیرد، صرفا از روش‌های پوپولیستی برای رسیدن به قدرت استفاده می‌کنند و به دلیل ضعفی که در کارآمدی تشکیلات سازمان یافته دارند، همواره از حزب و تشکیلات این چنینی می‌گریزند، زیرا شرط اول ورود به امور حزبی، آشنایی با فعالیت‌های سازمان یافته و توانایی تدوین طرح‌ها و استراتژی‌های بلندمدت برای اداره کشور است که آنها بهره‌ای از آن نبرده‌اند.

این گونه افراد معمولا در سخنان خود بر فراجناحی بودن خویش تاکید دارند و آن را امر مثبتی برای خود تلقی می‌کنند. در حالی که استعمال این واژه نشانه آن است که این فرد یا افراد استراتژی و برنامه مدونی برای اداره امور ندارند، بنابراین اگر مقام یا مسوولی در دولت یا کشور با افتخار از وابسته نبودن به حزب یا جناح خاصی سخن بگوید، نه تنها نشانه

قدرت و اختیار او نیست، بلکه دقیقا به دلیل ضعف او و نیز دموکراسی در آن کشور است و دقیقا به همین دلیل است که در جوامع پیشرفته امروزی مردم طرفدار یک حزب یا عضو آن هستند، چون به درستی می‌دانند که برای اداره بهتر امور "برنامه" بهتر از "شخص" می‌تواند کاربرد داشته باشد.

اگر چه در ایران امروز تفکیک نقش‌ها، وظایف نهادینه نشده و انگیزه دینی- مذهبی نقش بسیار موثری در جلب مشارکت اجتماعی دارد، با این همه تبیین نقش و جایگاه واقعی "امر به معروف و نهی از منکر" می‌تواند در عمومی شدن فرهنگ نقد و نقادی و تقویت تشکل‌های مدنی مفید باشد. این تفکر که طرفدارانی در کشور دارد، همچنان مصرند تا مسوولیت‌های اجتماعی خود را مستند به باورهای دینی مردم کنند و بگویند که نهادهای مذهبی جانشین مناسبی برای حزب به شمار می‌رود، در حالی که انجام سایر مسوولیت‌های شهروندی مانند عضویت در نهادهای مدنی و کار جمعی کردن منافاتی با اعمال وظایف دینی ندارد.

متأسفانه آنچه که موجب منغل شدن نخبگان جامعه و تمایل نداشتن آنها به تشکیل احزاب شده را می‌توان در مشی عملی برخی مسوولان که بر خلاف

## دولت نهم در برخورد با احزاب و تشکل های مدنی کم تحمل است و به آنها به دیده رقیب می نگرد

را با رقبیان تقسیم کند، در نتیجه روحیه حزب ستیزی بیشتر در آنها تقویت می شود و از آنجا که در دولت نهم و هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کمتر حزبی حاضر به حمایت از احمدی نژاد شد، تا حدودی بر مواضع حزب ستیزانه رییس دولت تاثیرگذار شده است.

درآمد بالای نفتی به ویژه در طول دو سال گذشته و عدم اتکای دولت به اخذ مالیات از شهروندان در عین حال باعث تضعیف و تحدید جامعه مدنی می شود. معمولاً حکومت های اقتدارگرا مانع از تکوین و تشکیل نهادهای مدنی و سازمان های غیردولتی و احزاب می شوند، حتی در برخی از نمونه های این چنینی، گروهی از شهروندان به دلیل رویکرد حزبی با محدودیت هایی مواجه می شوند.

در دولت هایی که معمولاً از لایه های زیرین جامعه برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می شود و اهداف برنامه های مورد هدف مبتنی بر پوپولیسم تدوین می شود، دولتمردان به دلیل روحیه ضد نخبه گرایی ای که دارند، ترجیح می دهند به جای ورود به فعالیت های حزبی و تشکیل نهادهای مدنی، از شیوه عوام گراییانه برای حکومت رانی استفاده کنند و از آن جا که این روش با فلسفه و شیوه احزاب تفاوت بسیار دارد، طبیعی به نظر می رسد که توجه چندانی به حزب نشود و در واقع حزب ستیزی مبنای حرکات افراد گردد.

### اعتراض به موضع دولت

به دنبال اظهارات رییس جمهوری و سایر دولتمردان در خصوص احزاب، موج گسترده ای از

مخالفت ها علیه دولت در طول دو سه هفته اخیر مطرح شد تا آنجا که حتی چهره های اصول گرای حزبی و نمایندگان مجلس به این سخنان واکنش نشان دادند.

این افراد با دفاع از لزوم وجود احزاب قوی در کشور، تاکیدات قانونی در این مورد را به مخالفان احزاب گوشزد کردند. بسیاری از چهره های حزبی و اصول گرایان مجلس خواستار روشن شدن مواضع دولت در تعامل با احزاب شدند و وجود آنها را ضرورتی برای وجود دموکراسی ذکر کردند. به اعتقاد منتقدان دولت، دولتمردان باید ضرورت وجود احزاب را بپذیرند، زیرا در نبود آنها زمینه برای شکل گیری دیکتاتوری مستعد می شود و عده ای با استفاده از گفتمان عوام گراییانه مردم را به سمتی که می خواهند، هدایت می کنند.

واقعیت آن است که دولتی که خود را مردمی معرفی می کند، برای جلب حمایت های مردم باید با احزاب تعامل منطقی برقرار کند، زیرا نظام های حزبی می توانند در راستای تسهیل فعالیت های دولت و نظام سهم موثری ایفا کنند. از سوی دیگر رییس جمهوری با توجه به اینکه جایگاه احزاب در قانون اساسی کاملاً مشخص و تعریف شده است، به عنوان شخصی که برای اجرای قانون اساسی سوگند یاد کرده است، باید مسوول اجرای آن باشد.

احزاب طبق قانون اساسی به وجود آمده اند و جایگاه والایی دارند، بنابراین منطقی تر آن است که رییس جمهوری و دولتمردانی که مخالف تشکیل احزاب هستند، با روشن کردن مواضع رسمی دولت در این زمینه شفاف سازی کنند تا طرفداران فعالیت احزاب نیز تکلیف خود را بهتر بدانند.

به نظر می رسد به جای تعرض به نهادهای مدنی و جلوی حرکت آنها را گرفتن، مناسب تر است به تدبیر زیرساخت های فرهنگی بیندیشیم و در این راه ابتدا گروه های سیاسی لازم است به جای نابود کردن و تهمت زدن به یکدیگر، دیدگاه ها و اندیشه های خود و دیگران را نقد کنند و بکوشند طوری عمل کنند که زمینه مساعد برای رشد استعدادها فراهم شود. با این توصیف زمانی می توان به نهادینه شدن تحزب در جامعه امید داشت که نظام حزبی به تضعیف منافع ملی و وحدت ملت و نیز استقلال کشور منجر نشود و به گونه ای عمل کرد تا از تبدیل دولت های حداکثری به دولت های حداقلی جلوگیری و زمینه برای فعالیت احزاب فراهم شود.

